

تأثیر بازنگری در فرایند انتخابات مجلس شورای

اسلامی بر ارتقای سرمایه اجتماعی

سوده رضایی،* مجید گلپور**

تاریخ دریافت ۹۱/۱۱/۷ تاریخ پذیرش ۹۲/۳/۱۳

در دهه‌های اخیر سرمایه اجتماعی در کنار سرمایه‌های دیگر، به‌عنوان عاملی تعیین‌کننده در امر توسعه، مورد توجه بسیاری از اندیشمندان حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی قرار گرفته است. «اعتماد» به‌عنوان بخشی از سرمایه اجتماعی در بهبود مؤلفه‌های توسعه، به‌ویژه توسعه سیاسی نقش مهمی ایفا می‌کند. با توجه به اینکه انتخابات برجسته‌ترین نماد مردم‌سالاری و توسعه‌یافتگی سیاسی به حساب می‌آید، فرایند اجرای آن در میزان اعتماد سیاسی تأثیرگذار است. از این رو به‌کارگیری فرایندی متناسب با شرایط اجتماعی جامعه می‌تواند با افزایش اعتماد سیاسی، موجبات مشارکت بیشتر را فراهم آورده و مشروعیت نظام سیاسی را ارتقا بخشد. در این مقاله تلاش شده است ضمن بررسی انتقادی فرایند جاری انتخابات مجلس شورای اسلامی در ایران، با استفاده از روش کتینگر، چگونگی بازنگری این فرایند در مراحل شش‌گانه چشم‌انداز، اقدامات اولیه، تشخیص، طراحی مجدد، نوسازی و احیا و ارزیابی برای ارتقای اعتماد سیاسی مدنظر قرار گیرد. سؤال و دعوی اصلی این پژوهش، نشان دادن چگونگی تأثیرگذاری بازنگری فرایند انتخابات بر اعتماد سیاسی ایرانیان، به روش توصیفی-تحلیلی است.

کلیدواژه‌ها: سرمایه اجتماعی؛ فرایند انتخابات مجلس شورای اسلامی؛ بازنگری؛ اعتماد سیاسی

* کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت (نویسنده مسئول)؛

Email: 389600@gmail.com

** عضو هیئت علمی دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت؛

Email: Majid_Golparvar@yahoo.com

مقدمه

سرمایه اجتماعی همانند دیگر سرمایه‌ها مولد بوده و دارای مؤلفه‌های فراوانی است که فقط در بطن گروه‌ها و اجتماعات و براساس کنش متقابل افراد به دست می‌آید. این سرمایه دارای ذخایری است که در صورت استفاده‌های مکرر نه تنها تمام نمی‌شود، بلکه افزایش نیز می‌یابد. همچنین سرمایه اجتماعی دارای مالکیت فردی نیست، بلکه مالکیتی جمعی دارد و متعلق به همه اعضای یک اجتماع است.

اعتماد، مشارکت، جمع‌گرایی، همدلی، همکاری و تحقق منافع فردی در قالب منافع مشترک گروهی از جمله مشخصه‌های مهم این مفهوم محسوب می‌شوند (تاجبخش، ۱۳۸۲: ۱۲). از این رو بسیاری از فرایندهای زندگی اجتماعی افراد به نوعی با مفهوم سرمایه اجتماعی درگیر خواهند بود.

انتخابات به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین ابعاد جمعی و گروهی در یک جامعه دمکراتیک، ملزم به قرارگیری تحت لوای سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌هایی چون اعتماد، مشارکت و تحقق منافع جمعی است. هر یک از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، به تنهایی نقش بسزایی را در روند انتخاب بازی می‌کنند و فقدان هر یک از آنها می‌تواند این فرایند دمکراتیک را با تنش مواجه کند، چنانکه عدم اعتماد در روند یک انتخابات از تنش‌زاترین موارد به حساب می‌آید. همچنین کاهش میزان مشارکت در امر انتخابات، به راحتی مردمی و دمکراتیک بودن آن را خدشه‌دار می‌کند. بنابراین لازم است فرایند انتخابات همواره مورد بازبینی قرار گیرد تا با مقتضیات و شرایط جوامع همگام شود.

عدم تحول و بازبینی‌های ریشه‌ای فرایند اجرای انتخابات، در طول عمر بیش از سه دهه نظام جمهوری اسلامی در مقابل تغییرات سریع مقتضیات جامعه ایران، بازنگری این روند را ایجاب می‌کند.

شواهد و رخدادها در بعضی از انتخابات، حاکی از نبود سطح مطلوبی از اعتماد سیاسی نسبت به فرایند جاری انتخابات در کشور است. اگرچه در برخی موارد مانند وقایع سال ۱۳۸۸، رد پای دشمنان خارجی نظام را نمی‌توان نادیده گرفت، اما به‌رحال زمینه‌ای از

بی‌اعتمادی در بین اقشار مختلف مردم وجود داشت که به راحتی در مسیر اغراض و اهداف شوم دشمن قرار گرفت و از این طریق فرصت بروز یافت.

از این رو در مقاله حاضر با استفاده از روش‌های فنی - مهندسی و کاربردی برای بازنگری فرایند انتخابات مجلس شورای اسلامی در جهت ارتقای سطح سرمایه اجتماعی مدنظر واقع شده است. به طوری که سعی شده با استفاده از روش کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی و تحلیلی، رویه‌های حاکم بر اجرای انتخابات مجلس شورای اسلامی به صورت علمی و فنی و با هدف نیل به تقویت پایه‌های سرمایه اجتماعی مورد تجزیه و تحلیل، روزرسانی و متناسب‌سازی با مقتضیات جامعه در حال توسعه ایران، قرار گیرد.

به این ترتیب سؤالی که در این مقاله پیش می‌آید این است که تأثیر بازنگری فرایند انتخابات مجلس شورای اسلامی بر سرمایه اجتماعی چگونه است؟ چنین به نظر می‌رسد که بازنگری این فرایند با افزایش سطح اعتماد سیاسی در افراد جامعه و اقلیت‌ها، سطح سرمایه اجتماعی موجود را ارتقا می‌دهد. همچنین محتمل است این بازنگری هم از لحاظ سیاست داخلی و پیشرفت و هم از لحاظ وجهه سیاسی دمکراتیک به ویژه مسئله انتخابات، به تأثیر گذاری‌های مثبتی دست خواهد یافت. با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران همواره یک دمکراسی اسلامی را دنبال کرده است، می‌تواند الگویی اسلامی مطابق با موازین شرع و همگام با نیازهای جدید جوامع مسلمان را به دنیای اسلام ارائه کند. اهمیت این موضوع زمانی دوچندان می‌شود که سرمایه اجتماعی با درج شدن در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عملاً به حوزه عمومی و برنامه‌ریزی کشور وارد شده (بند «ج» ماده ۹۸) فصل هشتم (ارتقای امنیت انسانی و عدالت اجتماعی) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران) که مجال دیگری را در این زمینه می‌طلبد.

۱ بازنگری فرایندها

مهندسی مجدد به معنای بازاندیشی بنیادین و طراحی ریشه‌ای فرایندها برای دستیابی به

بهبود در معیارهای مهم عملکرد از قبیل هزینه، کیفیت، سرعت و قدرت است. این مفهوم توسط مایکل همر در سال ۱۹۹۰ معرفی و افراد بسیاری مانند همر و چمپی در توسعه آن نقش مهمی را ایفا کردند (پورمیرو، ۱۳۸۷). تاکنون این واژه درباره فرایندهای کسب و کار و رسیدن به امتیازهای رقابتی از طریق ایجاد و شکل دهی تغییرات مهم و حتی پایه‌ای و انقلابی در نحوه فعالیت‌ها و عملیات سازمان‌ها و جریان کار بنگاه‌های اقتصادی و تولیدی به کار رفته است.

بنابراین می‌توان گفت مهندسی مجدد عبارت است از ابداع فرایندها برای دستیابی به بهبود ریشه‌ای و عمیق در کسب و کار که از طریق فعالیت‌های زیر قابل انجام است (سپهری، ۱۳۸۵: ۶۲):

۱. شناخت و انتخاب فرایندهایی که برای ابداع و نوآوری، مناسب تشخیص داده شوند.
 ۲. درک و فهم این فرایندها و اطلاعاتی که مورد استفاده قرار می‌گیرند.
 ۳. ابداع و بهبود فرایندها.
 ۴. اجرای فرایندهای جدید.
 ۵. ایجاد سازمانی برای مدیریت و کنترل فرایندهای جدید.
- مهندسی مجدد یک فلسفه مدیریتی متفاوت از رویکردهای بهبود تدریجی و مستمر است که در مواقع اضطراری و شرایط بحرانی که به تغییرات گسترده نیاز دارد، به کار می‌رود. مهندسی مجدد روش‌های متفاوتی دارد که از سوی صاحب‌نظرانی چون داوونپورت، کلین، فیوری و ... تعریف، طراحی و ارائه شده‌اند. همه آنها در اصولی اشتراک دارند که از مهم‌ترین آنها باید به ایجاد تغییر و دگرگونی‌های هدفمند و روشمند در فرایندهای جاری اشاره کرد (ابلسکی، ۱۳۷۶: ۴۷). روشی که نسبت به بقیه موارد بیشتر در این مقاله مدنظر قرار گرفته است، روش کتینگر نام دارد که شامل ۶ مرحله است:
۱. چشم‌انداز: استقرار تعهد مدیریت و چشم‌انداز، کشف فرصت‌های مهندسی مجدد، تشخیص زمینه‌های مساعد برای فناوری اطلاعات و انتخاب فرایندها برای طراحی مجدد،

۲. اقدامات اولیه: اطلاع‌رسانی به کارکنان سازمان، سازمان‌دهی تیم مهندسی مجدد، برنامه‌ریزی پروژه، تشخیص مشتریان خارجی، نیازسنجی و تنظیم اهداف عملکرد،
۳. تشخیص: مستند کردن فرایندها و تجزیه و تحلیل فرایندهای مجدد،
۴. طراحی مجدد: تشخیص و تجزیه و تحلیل فرایندهای جدید، تهیه نمونه اولیه و طراحی جزئیات آنها، طراحی ساختار منابع انسانی، طراحی و تجزیه و تحلیل سیستم‌های اطلاعاتی،
۵. نوسازی و احیا: سازمان‌دهی مجدد قواعد مربوط به منابع انسانی، اجرای مؤلفه‌های سیستم‌های اطلاعاتی و آموزش کاربران،
۶. ارزیابی: ارزیابی عملکرد فرایندها و برنامه‌های بهبود مستمر (اسماعیلیان، ۱۳۸۴: ۳۵).

۲ سرمایه اجتماعی و تاریخچه آن

اصطلاح سرمایه اجتماعی اولین بار قبل از سال ۱۹۱۶ در مقاله هانی فان، سرپرست وقت مدارس ویرجینیای آمریکا، دیده شد. در این مقاله سرمایه اجتماعی، حاصل ظرفیت‌های بالقوه درون گروهی معرفی شد که شرایط واحدهای اجتماعی را بهبود می‌بخشند (الوانی و شیروانی، ۱۳۸۳: ۸۷).

سرمایه اجتماعی از مؤلفه‌های اساسی توسعه و ثبات هر جامعه‌ای محسوب می‌شود که زیربنای توسعه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را در جامعه فراهم می‌آورد و اهمیتش به اندازه‌ای است که به آن ثروت نامرئی هم می‌گویند (حیدری، ۱۳۸۴: ۲۵).

به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی عبارت است از مجموعه هنجارها و قوانین یک گروه که سطح همکاری بین اعضا را ارتقا می‌بخشد و کاهش هزینه‌های ارتباطی و مبادلاتی را به دنبال دارد (منظور و یادی‌پور، ۱۳۸۷: ۱۴۲). صاحب‌نظران زیادی درباره سرمایه اجتماعی و کارکردهای آن در جامعه، مطالعه و تحقیق کرده‌اند که سرشناس‌ترین آنها رابرت پاتنام، جیمز کلنن، پیر بوردیو و فرانسیس فوکویاما هستند. در ادامه به اختصار برخی نظریات و تعاریف این صاحب‌نظران در خصوص سرمایه اجتماعی بیان می‌شود:

جیمز ساموئل کلمن اولین نظریه پرداز بود که بعد عملی و تجربی سرمایه اجتماعی را تجزیه و تحلیل و از دیدگاه کارکردگرایی به این مفهوم توجه کرد. وی در تعریف سرمایه اجتماعی چنین می گوید: «سرمایه اجتماعی بر مبنای کارکرد آن تعریف می شود، سرمایه اجتماعی ذات واحد نیست، بلکه مجموعه ای از ذات های گوناگون است که دو عنصر مشترک دارند: اولاً، همه آنها مشتمل بر جنبه ای از ساختارهای اجتماعی اند، ثانیاً، برخی کنش های خاص کنشگران اعم از اشخاص حقوقی یا حقیقی را در داخل محدوده ساختار تسهیل می کند (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۹). کلمن انباشت سرمایه اجتماعی که به درونی شدن هنجارها ختم می شود را راهی برای کاهش ضرورت کنترل رسمی شهروندان می داند و معتقد است، در صورتی که بتوان هنجاری را به صورت پایدار در جامعه رواج داد، می توان از منافع مادی سرمایه اجتماعی در آن جامعه بهره مند شد (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۰۶).

کلمن سرمایه اجتماعی را کالایی عمومی می داند که شامل شاخص هایی برای تعهدات ایجاد شده، دسترسی به اطلاعات، هنجارهای اجتماعی، اقتدار و هویت است که در نهایت به سرمایه انسانی منجر خواهد شد (ساروخانی و امانی، ۱۳۸۷: ۶).

پیر بوردیو جامعه شناس فرانسوی، یکی از اولین کسانی بود که مفهوم سرمایه اجتماعی را به صورت نظام مند بیان کرد. وی در کتاب *اشکال سرمایه* سرمایه اجتماعی را شبکه ای از روابط فردی و جمعی هر فرد یا گروه می داند و تأکید می کند که شکل های مختلف سرمایه می توانند به سرمایه اقتصادی تبدیل شوند. وی بر این عقیده بود که به وسیله سرمایه اجتماعی، کنشگران می توانند مستقیماً به منابع اقتصادی دسترسی داشته باشند، زیرا حضور سرمایه اجتماعی و فرهنگی، شرایط دستیابی به سرمایه اقتصادی را هموارتر می کنند. بوردیو در تقسیم بندی اشکال سرمایه بر این نکته نیز تأکید دارد که سایر اشکال سرمایه نسبت به سرمایه اقتصادی، شفافیت و اطمینان کمتری را باعث می شوند (شارع پور، ۱۳۸۱: ۵۳).

بوردیو در تعریف مفهوم سرمایه اجتماعی چنین می گوید: سرمایه اجتماعی جمع منابع واقعی یا بالقوه ای است که حاصل شبکه های بادوام از روابط کماوبیش نهادینه شده

آشنایی و شناخت متقابل ایجاد شده‌اند (بوردیو، ۱۳۸۴: ۸۵-۸۳).

فرانسیس فوکویاما سرشناس‌ترین نظریه‌پرداز است که مفهوم سرمایه اجتماعی را با مؤلفه بارز اعتماد اجتماعی بررسی و سعی کرده تا آن را در قالب اقتصادی مطرح کند. توجه وافر وی به مفهوم اعتماد و نقش آن در این بعد از سرمایه، سبب شده تا میزان کارایی و قدرت سرمایه اجتماعی را وابسته به اندازه اعتماد شکل گرفته در یک اجتماع بدانند. فوکویاما سرمایه اجتماعی را هنجارها یا ارزش‌های مشترکی می‌داند که براساس روابط اجتماعی واقعی، موجب تقویت همکاری اجتماعی می‌شوند. در واقع سرمایه اجتماعی از دیدگاه وی عبارت است از توانایی اشخاص برای همکاری با یکدیگر در قالب گروه‌ها و سازمان‌های مختلف برای نیل به اهداف مشترک (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۳۲).

فوکویاما در مبحث سرمایه اجتماعی و اعتماد، از واژه شعاع اعتماد استفاده می‌کند. وی معتقد است همه گروه‌هایی که مظهر سرمایه اجتماعی‌اند دارای نوعی شعاع اعتماد هستند. اگر سرمایه اجتماعی گروه، آثار خارجی مثبت تولید کند، شعاع اعتماد می‌تواند حتی از خود گروه نیز فراتر رود. ممکن است شعاع اعتماد کوچک باشد، به طوری که نتواند همه اعضای گروه را شامل شود، از این رو یک جامعه مدرن را می‌توان مجموعه‌ای از شعاع‌های اعتماد با لایه‌های روی هم تصور کرد. گستره این گروه‌ها می‌تواند از دوستان تا سازمان‌های غیردولتی و گروه‌های مذهبی را دربرگیرد (فوکویاما، ۱۳۸۴: ۱۱۴-۱۱۳).

۲-۱ مفهوم سطوح اعتماد

اعتماد از جمله مفاهیمی است که نمی‌توان به آسانی آن را تعریف کرد. شاید بتوان اعتماد را آرامشی دوجانبه تعریف کرد که به همراه قبول و پذیرش کلام، تعهدات و رفتار یکدیگر به دست می‌آید (اوجاقلو و زاهدی، ۱۳۸۴: ۹۶). به طور کلی اعتماد به دو دسته سیاسی و اجتماعی قابل تقسیم می‌شود که اعتماد اجتماعی را اعتماد مردم به مردم یا اعتماد افقی می‌نامند و اعتماد سیاسی همان اعتماد مردم به دستگاه حکومت یا اعتماد عمودی است.

در بحث انتخابات اعتماد سیاسی به عنوان مؤلفه اساسی سرمایه اجتماعی، کارکردهای مهمی برای جامعه دارد؛ مانند مشارکت سیاسی و انتخاباتی بالا، داشتن انتخاب عقلانی و منطقی از سوی شهروندان و افزایش حس مسئولیت‌پذیری و اعتماد به نفس. همچنین می‌توان اعتماد سیاسی را از نوع نظام‌مند دانست، چراکه طرف مورد اعتماد نظام حکومتی است که نوع پیشرفته‌ای از اعتماد محسوب می‌شود (غفاری و ازکیا، ۱۳۸۰: ۴). اعتماد سطوح مختلفی دارد که به ترتیب عبارت‌اند از: اعتماد بنیادین، اعتماد شخصی، اعتماد بین‌شخصی و اعتماد نظام (زتومکا، ۱۳۸۶: ۸۴).

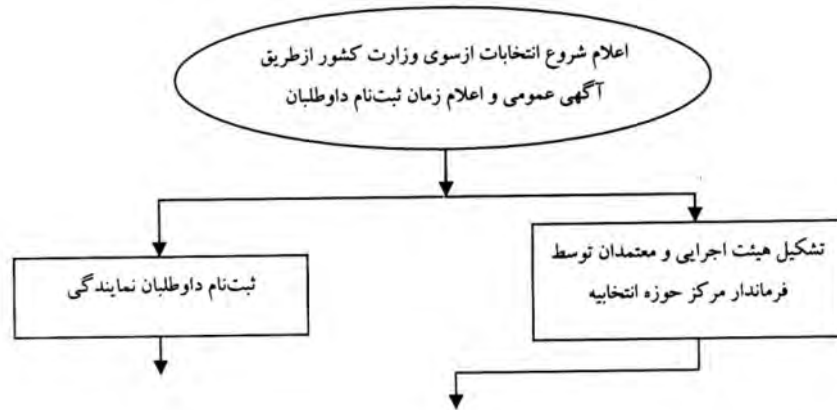
۳ آسیب‌شناسی فرایند جاری انتخابات مجلس

انتخابات مجلس شورای اسلامی هر چهار سال یک بار چیدمان جدیدی را برای کرسی‌های نمایندگی تعیین می‌کند که نقش اساسی در پیگیری مطالبات افراد جامعه خواهد داشت. انتخابات سبب می‌شود مردم نقش مستقیمی در انتخاب نمایندگان و نحوه چپش کرسی‌های مجلس داشته باشند. اما سازوکار کنونی انتخابات تا حدی این مهم را تحت تأثیر قرار داده است، چراکه در بسیاری از موارد عدم آگاهی و بی‌انگیزگی افراد برای تعیین نمایندگان، سبب می‌شود آرای برخی نمایندگان به صورت غیراخلاقی اخذ شود. همچنین در بسیاری موارد تبلیغات غیرواقعی و تنها در حد حرف برخی نمایندگان، رأی افراد حوزه انتخابیه را به انتخابی غیرعقلانی تبدیل می‌کند. تبلیغات واقع‌گرایانه و به دور از بزرگ‌نمایی نمایندگان می‌تواند عاملی برای افزایش بصیرت و داشتن رأی عقلانی افراد باشد، که برای افزایش اطمینان و اعتماد این موارد پیشنهاد می‌شود: در زمان بررسی و اعلام تأیید صلاحیت کاندیداها، گروهی متشکل از کارشناسان و متخصصان بازرسی کل کشور، شورای نگهبان و وزارت کشور به تهیه برنامه‌های راهبردی برای کاندیدای مورد تأیید شده اقدام کنند و در اختیار فرمانداری حوزه انتخابیه مربوطه برای اعلام و انتشار عمومی قرار دهند. این امر علاوه بر اینکه از شعارگرایی، تخریب رقبا و هزینه‌های گزاف

تبلیغاتی جلوگیری می‌کند، زمینه مناسبی را برای تبلیغات واقعی و شایسته نمایندگان فراهم می‌کند که به حفظ اخلاق انتخاباتی و نهادینه کردن یک نظم اجتماعی در بازه زمانی انتخابات و بعد از آن منجر می‌شود.

یکی دیگر از مشکلات مربوط به روند انتخابات به مرزبندی حوزه‌های انتخابیه برمی‌گردد. حوزه‌های انتخابیه براساس معیارهای خاصی دسته‌بندی شده‌اند که احتمالاً این معیارها در زمان خود مؤثر و کارساز بوده‌اند، اما مقتضیات زمان فعلی، با معیارهای قبلی همخوانی نداشته و به‌طور قطع نیاز به بازنگری دارد. برخی حوزه‌های انتخابیه فعلی شامل چندین شهرستان محروم همجواری که فقط یک نماینده دارند، درحالی‌که مشکلات این حوزه‌ها نسبت به مناطق توسعه‌یافته‌تر، بیشتر است و قطعاً به تعداد نماینده بیشتری برای برآورده شدن نیازهای مردم ضروری است و این امر، عدالت انتخابات و مشروعیت نظام حاکم را خدشه‌دار می‌کند. اگر جامعه‌ای نتواند در جهت حفظ نهادها و رویه‌های دمکراتیک خود گام بردارد، از حاکمیت شایسته دور خواهد بود. (لفت ویچ، ۱۳۸۲: ۲۲).

عدم توجه به مرزبندی حوزه‌های انتخابیه، جمعیت و میزان محرومیت و از همه مهم‌تر سهم فعلی حوزه‌های انتخابیه در داشتن نماینده برای مطالبه خواسته‌های آنان مشکلی است که در انتخابات وجود دارد و باید قبل از آغاز فرایند انتخاب که در ذیل مشخص شده با رعایت الگویی مناسب درباره آن چاره‌اندیشی شود.



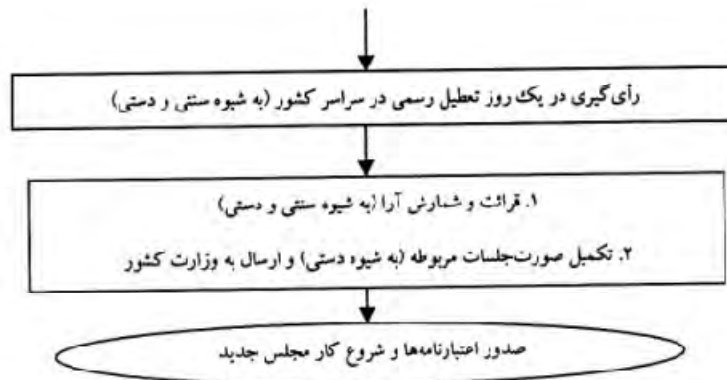
نمودار ۱ بخش آغازین روند فعلی انتخابات

درواقع بازنگری این فرایند برای رسیدن به عدالت در بحث حوزه‌های انتخابیه و سهم مناطق کشور در بهره‌مندی از خدمات عمومی رفاه اجتماعی، عاملی راهگشا در این زمینه است که با درهم شکستن مرز حوزه‌های انتخابیه و ایجاد ساختاری منطبق با الگوی شناورسازی، میسر خواهد شد.

یکی دیگر از معیارهایی که امروزه باید به آن توجه بیشتری شود بحث قومیت‌هاست، زیرا در جوامع چندقومیتی، یکی از مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده یکپارچگی، رفتار تبعیض‌آمیز نسبت به قومیت‌هاست. از یک سو تبعیض و بی‌عدالتی سبب تشدید تعصبات و پیش‌داوری‌های منفی در بین اقوام می‌شود و از سوی دیگر زمینه را برای تشدید تضادها و کشمکش‌های قومی فراهم می‌کند (یوسفی، ۱۳۸۳: ۴۸). اقوام خواسته‌های خاص قومیت خود را دارند که فقط از عهده نماینده همان قومیت که درک صحیحی از مسائل دارد و دلسوزانه به احقاق حقوق آنان می‌پردازد، برمی‌آید. زیرا نبود انگیزه کافی و مشارکت عقلانی بسیاری از افراد جامعه به این موضوع که آنها نخواهند توانست مجلسی که مطالبات آنان را پیگیری کند، انتخاب کنند. نماینده‌ها به خصوص نمایندگان شهرهای کوچک برای

کسب آرای بیشتر با افراد ذی نفوذ آن حوزه‌ها، لابی می‌کنند که این امر به‌طور مستقیم بر نتیجه انتخابات اثر گذاشته و حق انتخاب آزادانه افراد را تحت تأثیر قرار خواهد داد. این ارتباط ناصحیح بر نظام قانونگذاری و نظارت نمایندگان تأثیر می‌گذارد (رئسی، ۱۳۸۹: ۵۲). درهم شکسته شدن مرزبندی‌های موجود حوزه‌های انتخابیه، دخیل کردن شایسته قومیت‌ها در شکل دادن به ساختار مجلس و ایجاد شرایطی برای افزایش تعداد نمایندگان براساس الگوی صحیح از جمله عواملی هستند که در تغییر سطح مشارکت افراد در انتخابات مجلس و افزایش سطح اعتماد آنان به دستگاه حکومتی نقش عمده‌ای خواهند داشت.

روند اجرای سنتی و شمارش دستی آرای انتخابات مجلس ایراد دیگری است که به شاکله قانون اجرایی انتخابات مجلس شورای اسلامی وارد است. شمارش دستی آرا - به‌خصوص در حوزه‌های بزرگ - عامل طولانی شدن زمان شمارش، افزایش ضریب خطای انسانی و تقلب را امکان‌پذیر می‌کند. یکی دیگر از اشکالات شمارش دستی این است که زمینه استفاده از شناسنامه افراد فوت شده، رأی دادن مجدد یک فرد، عدم ثبت رأی بعضی از کاندیداها و تنظیم غلط یا غیرقانونی صورت‌جلسات را فراهم می‌کند. این امر سبب می‌شود تا در برخی موارد عده‌ای بعد از اعلام نتایج انتخابات، به اعلام نتیجه، روند شمارش و یا روند رأی‌گیری اعتراض داشته باشند (فتحیان، ۱۳۸۷: ۲۶). این افراد معمولاً از حضور انسان که عاری از خطاهای عمدی و سهوی نیست در شمارش آرا به شیوه دستی یا سنتی شاکی بوده و ادعای تقلب و اعمال سلیقه شخصی در این امور را دارند. از این رو روند شمارش و رأی‌گیری به شیوه دستی نیز جای اشکال بر روند انتخابات مجلس را دارد. این مشکل در نمودار ذیل قابل مشاهده است:



نمودار ۲ بخش پایانی روند فعلی انتخابات

برای رفع این مشکل، الگوگیری از روش مکانیزه رأی گیری و شمارش آرای بسیاری از کشورهای دنیا امری لازم و درخور توجه است.

احزاب، به عنوان شاهرگ زندگی سیاسی جوامع، در ایران و در روند برگزاری انتخابات مجلس، نقش اصلی خود را از دست داده اند که این مسئله باعث کاهش فعالیت سیاسی افراد شده است، چرا که مبارزات انتخاباتی احزاب دمکراتیک فرصتی برای مشارکت مردمی است که به نوبه خود می تواند اختیارات حکومتی و مشروعیت قانونی را به دولت تفویض کند (کاوانا، ۱۳۷۹: ۲۴۳). استعداد های لازم برای رسیدن به جایگاه نمایندگی مجلس، باید از بطن احزاب ظاهر شوند، اما فقدان احزاب مردمی، انعطاف پذیر، قانونی و فعال در همه عرصه های زندگی سیاسی و اجتماعی نوعی سرگردانی افراد را چه برای کاندیدا شدن و چه برای رأی دادن و انتخاب کردن به همراه داشته است. از این رو حضور احزاب در همه استان ها که زیر نظر دفتر مرکز قرار دارند و عضو گیری از عوام و خواص و به خصوص جوانان دانشگاهی و فرهیختگان با منشور اخلاقی شفاف و البته به دور از جناح بازی های سیاسی رایج، در این زمینه بسیار راهگشا خواهد بود.

بازنگری این فرایند می‌تواند برخی مشکلات را مرتفع و هدف پژوهش را محقق کند. با ایجاد تغییرات لازم در فرایند انتخابات مجلس، اعتماد افراد و قومیت‌های غیرفارس جلب می‌شود، انگیزه مشارکت در انتخابات مجلس فراهم می‌شود، مشروعیت مجلس افزایش پیدا می‌کند و انتخاب‌های افراد به انتخاب‌هایی عقلانی مبدل می‌شود. به این ترتیب چنین فرایندی به انتخاباتی عادلانه تبدیل می‌شود. انتخابات منظم و عادلانه یکی از ویژگی‌های پنج‌گانه حکومت‌های دمکراتیک است (لفت ویچ، ۱۳۸۲: ۱۹). به‌طور کلی همه عوامل و مشکلات بیان شده درباره فرایند جاری انتخابات، نشان از سطح نامطلوبی از سرمایه اجتماعی در کشور دارد. مقاله حاضر با هدف ارتقای این سطح و به‌ویژه مؤلفه اعتماد سیاسی به دنبال روش بازنگری مناسب این فرایند است.

۴ بازنگری فرایند انتخابات مجلس شورای اسلامی بر اساس روش کتینگر

روش بازنگری کتینگر روشی است که در این پژوهش از آن برای بازنگری فرایند انتخابات مجلس شورای اسلامی الگو برداری شده است. یکی از نیازهای این پژوهش مستندسازی و فرایندیابی مراحل اجرای انتخابات مجلس شورای اسلامی است بنابراین بهینه‌ترین روش در این زمینه روش شش مرحله کتینگر است که عبارت‌اند از: چشم‌انداز، اقدامات اولیه، تشخیص، طراحی مجدد، نوسازی و احیا و ارزیابی (صراف و آراسته). تطبیق دادن روش بازنگری فرایند انتخابات مجلس با روش کتینگر به صورت ذیل است:

۱. چشم‌انداز: مرحله چشم‌انداز شامل تعهد و تصمیم‌آزسوی مدیریت و اقناع کردن سیستم، برای بهبود فرایندها بوده و به کشف نقاط قابل تغییر و بازبینی به‌وسیله مهندسی مجدد می‌پردازد. در سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ درباره ارتقای سطح سرمایه اجتماعی آمده است:

«برخورداری از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع

انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی» (سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور، ۱۳۸۲).

بنابراین برای رسیدن به جایگاه آرمانی ایران در حیطه سرمایه اجتماعی مطابق با سند چشم‌انداز ضروری است که بسیاری از فرایندهایی که با امور زندگی مردم درگیر هستند، به‌خصوص آنهایی که به‌طور مستقیم با سطح اعتماد مردم سروکار دارند، بازنگری شوند. اجرای انتخابات مجلس شورای اسلامی در یک بازنگری کلی به تغییر و تحولات اساسی نیاز دارد، چرا که بعد از گذشت بیش از سه دهه از زمان تنظیم آن براساس قانون اساسی کشور و تجربه برگزاری چندین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی و در نهایت میزان مشارکت و اعتماد مردم در این امر، می‌توان نیاز به تغییرات را احساس کرد. از نظر بازنگری این مقاله، در بررسی مراحل این فرایند از بعد کمی و ترتیبی که مطابق با قانون اساسی ایران است، هیچ‌گونه تغییری داده نخواهد شد، اما از بعد کیفی با تغییر در نحوه تعیین حوزه‌های انتخابیه و افزایش تعداد نمایندگان مجلس براساس جمعیت قومیت‌ها در حوزه‌های انتخابیه جدید، می‌توان مشارکت، همدلی، اعتماد و سایر عوامل سرمایه اجتماعی را در بستر چنین تغییراتی ارتقا داد. بنابراین در مرحله چشم‌انداز، حوزه‌بندی انتخاباتی و در نظر گرفتن یک کرسی نمایندگی برای نماینده جمعیت قومیت‌هایی که در حوزه‌های انتخابیه شناور به حدنصاب می‌رسند، به‌عنوان فرصتی برای مهندسی مجدد انتخابات مجلس شورای اسلامی انتخاب در نظر گرفته شده است.

۲. اقدامات اولیه: در این مرحله تنظیم اهداف و برنامه‌ریزی پروژه مدنظر است. در این مقاله هدف از مهندسی مجدد انتخابات مجلس شورای اسلامی، افزایش سطح اعتماد بین مردم است. افزایش اعتماد به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه سرمایه اجتماعی، افزایش مشارکت و مسئولیت‌پذیری را به دنبال دارد و امنیت را در جامعه فراهم می‌کند.

انتخاب نمایندگان براساس جمعیت هر قومیت و دادن حق به آنها برای داشتن نماینده یا نمایندگانی به‌نسبت جمعیتشان در حوزه‌های انتخابیه، سبب می‌شود تا قومیت‌ها نیز در اداره امور جامعه دخیل شوند. به‌این ترتیب نیازها و خواسته‌های خاص آنها برآورده و اعتماد بیشتری از سوی قومیت‌ها به دولت ایجاد می‌شود. این امر باعث تقویت هویت ملی

می‌شود و بر هویت قومی و احتمال استقلال‌خواهی قومیت‌های دورافتاده از مرکز حکومت سایه می‌افکند. چرا که اصولاً ملت‌سازی بنیاد قومی دارد، در جوامع چندقومی که هویت ملی فقط بر عناصر فرهنگی یک قوم متکی باشد و موجب محرومیت یک یا تعدادی از اقوام از برخی حقوقشان شود و مورد تبعیض و نابرابری قرار گیرند، به راحتی امکان برجسته شدن یا تقویت شدن هویت قومی در مقابل هویت ملی وجود دارد. این امر می‌تواند محرکی قوی برای دست یازیدن به اعمال سیاسی و مدعی شدن برای حق تعیین سرنوشت و در نتیجه بحران‌های قومی شود (ابوبی، ۱۳۷۷: ۳۱).

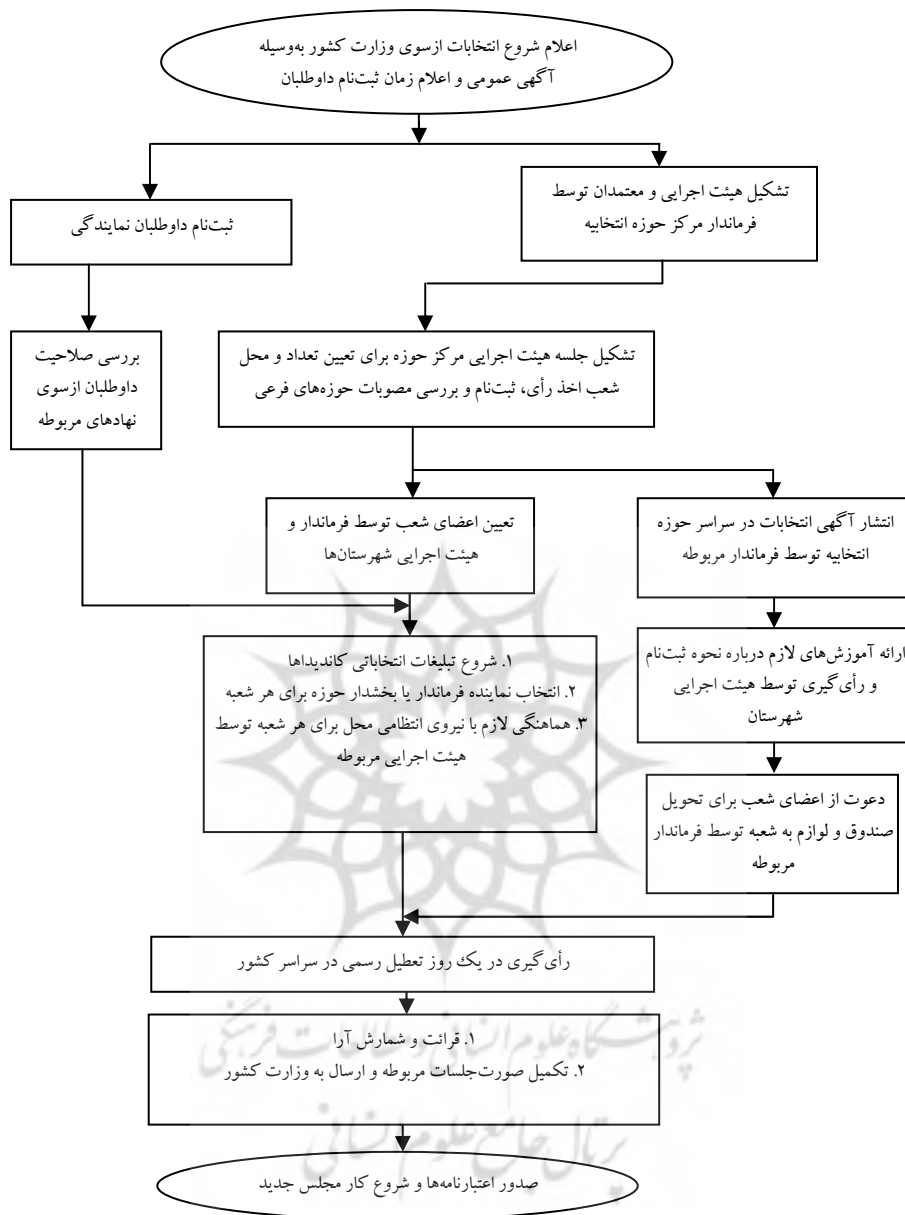
بنابراین برای ایجاد همدلی بیشتر و افزایش هویت ملی بین قومیت‌ها و افزایش سطح اعتماد به عنوان اصلی‌ترین رکن سرمایه اجتماعی، فرایند انتخابات مجلس شورای اسلامی نیازمند بازنگری است. راهکار چنین تغییری در قالب شناورسازی و درهم شکستن مرزهای ثابت فعلی برای حوزه‌های انتخابیه در سراسر کشور است، که در واقع این مرزها هیچ‌گاه ثابت نمانده و در هر انتخاباتی براساس رویه‌های پیشنهادی در مقاله حاضر به این شرح است: ابتدا باید جمعیت یک قومیت خاص در شهرستان مدنظر تعیین و بررسی شود که آیا جمعیت این قومیت در شهرستان همجوار برای داشتن یک نماینده به حدنصاب می‌رسد یا خیر؟ در صورت به حدنصاب رسیدن آیا برای این جمعیت کرسی نمایندگی در نظر گرفته شده است یا خیر؟ چنانچه کرسی‌ای در نظر گرفته نشده باشد، مجموع این جمعیت را برای احراز کرسی نمایندگی مورد بررسی قرار می‌دهند. در واقع در این شیوه، تعیین تعداد کرسی‌های نمایندگی استان‌های کشور از حیطة قانونگذاری مجلس خارج می‌شود و براساس رویه‌های پیشنهاد شده در مقاله که به طور دقیق میزان جمعیت، نحوه رشد آن و سطح محرومیت، در نمودارهای گردشی آورده شده به عنوان ضریب محرومیت مشخص شده است، و جمعیت قومیت‌ها در شهرستان‌های همجوار در یک استان، تعداد کرسی‌ها در قبل از اعلام آغاز به کار عوامل اجرایی انتخابات در سراسر کشور تعیین می‌شوند.

۳. تشخیص: در این مرحله باید فرایند جاری انتخابات مجلس شورای اسلامی مستند و مورد

تجزیه و تحلیل قرار گیرد. در این مقاله برای مستندسازی فرایند، مراحل موجود در روال اجرایی انتخابات مجلس شورای اسلامی به صورت نمودار گردش بیان شده‌اند. در این مرحله زیرفرایندها عبارت‌اند از: تشکیل هیئت اجرایی مرکز حوزه، ثبت نام و تعیین صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس، تعیین اعضای شعب اخذ رأی، شیوه ثبت نام و اخذ رأی در روز رأی گیری و قرائت و شمارش آرا (آیین نامه اجرایی انتخابات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۸).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



مأخذ: آیین نامه اجرایی انتخابات مجلس، ۱۳۷۸.

نمودار ۳ روند کلی انتخابات مجلس شورای اسلامی

۴. طراحی مجدد: در این مرحله باید فرایند جدید را تشخیص داد و نمونه اولیه و طراحی جزئیات آن را بیان کرد.

لزوم بازنگری فرایندهای اجتماعی جامعه براساس شرایط و مقتضیات روز اصلی است که در اداره حکومت دمکراتیک و حکمرانی خوب، غیرقابل چشم‌پوشی است، زیرا یکی از وظایف چنین حکومتی، توسعه زیرساخت‌های اجتماعی و فیزیکی است (میدری، ۱۳۸۳: ۷۳-۷۱). این مهم فقط از راه بازنگری فرایندهای قدیمی و طراحی دوباره آنان امکان‌پذیر خواهد بود. فرایند جدید به گونه‌ای انتخاب شده که در مراحل اجرایی تغییری ندارد، بلکه نحوه تعیین نمایندگان و تعداد آنها را بازبینی کرده است.

الگوی ارائه شده در مقاله به این شرح است: برای افزایش تعداد نمایندگان بر مبنای افزایش متناسب جمعیت باید این متغیر به جمعیت شهرستان‌های مجاور در تمامی استان‌های کشور و نیز بر حسب قومیت‌های پرجمعیت وابسته شود. تعداد نمایندگان از طریق فرمول و الگوی چهارحالتی ذیل^۱ قابل محاسبه است:

$$\left\{ \begin{array}{ll} K = \lfloor N/t + (1-1/r) \rfloor & \text{if } N > t \\ K = 0 & \text{if } N \ll t \text{ and } Z \ll t \\ K = 1 & \text{if } N \ll t \text{ and } Z \sim t \\ K = 1 + \lfloor 1/2 + ((N+Z) - t) / t \rfloor & \text{if } N < t \text{ and } Z \sim t \end{array} \right.$$

در این فرمول:

N: تعداد جمعیت یک منطقه که قومیت یکسان دارند (قابل حصول از طریق آخرین آمار مربوط به مرکز آمار کشور).

K: تعداد نمایندگان لازم برای جمعیت N که از طریق فرمول فوق به دست می‌آید.

۱. این فرمول برگرفته از نتایج محقق است.

I: ضریب محرومیت شهرستان (قابل حصول از طریق ضرایب توسعه مناطق کشور براساس معیارهای توسعه و تعیین آن توسط نهادهای مربوطه).

Z: جمعیت قومیت مورد نظر در شهرستان مجاور (قابل حصول به عنوان ضرایب هر شهرستان نسبت به شهرستان‌های همجوار، توسط گروه کارشناسی انتخابات).

t: تراز ملی جمعیت (نام پیشنهادی برای معیار انتساب یک نماینده به تعداد معینی از جمعیت یک منطقه). این مقدار نیز با تقسیم تعداد کل جمعیت کشور بر تعداد کل نمایندگان مجلس براساس آخرین آمار و مصوبات، توسط تیم کارشناسی هر چهار سال یک بار، قابل دستیابی است.

این فرمول تمام حالات افزایش جمعیت را براساس نوع قومیت و همجواری شهرستان‌ها که حوزه‌های انتخابیه شناور را تشکیل می‌دهند، دربرمی‌گیرد. افزایش جمعیت نرخی دارد که سرانه مولید را نشان می‌دهد و این میزان ازسوی مرکز آمار و نهادهای مربوطه قابل استناد و استنتاج خواهد بود. ازسوی دیگر با تعیین یک داده جمعیتی به عنوان مبنای جمعیتی برای داشتن نماینده باید به‌ازای تعداد معینی از جمعیت، که در مقاله حاضر، تراز ملی جمعیت یا به‌طور خلاصه تراز ملی نامیده شده است یک کرسی را احراز کند. می‌توان فاصله زمانی تغییر در تعداد نمایندگان را با آمار موجود، به‌راحتی محاسبه کرد. لازم است یک تیم چندنفره (متشکل از کارشناسان خبره انتخاباتی) برای تعیین متغیرها و اعلام آنها به استان‌ها تشکیل شود تا هر چهار سال یک‌بار و قبل از اعلام رسمی زمان اجرای مقدمات انتخابات از طریق فرمول و نمودارهای گردشی ارائه شده در این مقاله، موارد لازم برای آغاز کار مجریان استانی را در اختیار نهادهای مربوطه قرار دهند. نمودار بازنگری فرایند انتخابات مجلس شورای اسلامی براساس الگوی پیشنهاد شده در مقاله به‌صورت ذیل است:



نمودار ۴ روند کلی انتخابات مجلس شورای اسلامی براساس الگوی شناورسازی حوزه‌های انتخابیه

فرض کنیم براساس آمار موجود، تراز ملی جمعیت ۱۰۰۰۰۰ نفر باشد، یعنی $t=100000$ ، جمعیت قومیت مورد نظر در شهرستان همجوار که در تخصیص نماینده شرکت نکرده‌اند ۴۰۰۰۰ نفر باشد یعنی $z=40000$ و ضریب محرومیت این شهرستان ۳ باشد یعنی $i=3$.

الف) فرض شود جمعیت قومیت مورد نظر شهرستان ۳۴۰۰۰۰ نفر باشد؛ یعنی $n=340000$ در این قسمت حالت اول اتفاق می‌افتد یعنی جمعیت قومیت مورد نظر برای شهرستان همجوار بزرگ‌تر از عدد تراز است. بنابراین طبق فرمول حالت اول تعداد نمایندگان قومیت مورد نظر در این شهرستان ۴ خواهد بود یعنی $k=4$.

ب) فرض شود جمعیت قومیت مورد نظر شهرستان ۳۰۰۰۰ نفر باشد، یعنی $n=30000$ در این قسمت حالت سوم اتفاق خواهد افتاد یعنی جمعیت بسیار کوچک‌تر از عدد تراز بوده و جمعیت قومیت مورد نظر برای شهرستان همجوار که هنوز نماینده‌ی ندارد تقریباً به عدد تراز نزدیک است. بنابراین طبق فرمول حالت سوم تعداد نمایندگان یک خواهد بود، یعنی $k=1$.

ج) فرض شود جمعیت قومیت مورد نظر شهرستان ۸۵۰۰۰ نفر باشد، یعنی $n=85000$ در این قسمت حالت چهارم اتفاق می‌افتد یعنی جمعیت عددی نزدیک به مقدار تراز است و جمعیت قومیت مورد نظر برای شهرستان همجوار که هنوز فاقد نماینده است نیز تقریباً به عدد تراز نزدیک است. بنابراین طبق فرمول حالت چهارم تعداد نمایندگان یک خواهد بود یعنی $k=1$.

بنابراین با الگوی شناورسازی مرز حوزه‌های انتخابیه، تعیین تعداد کرسی‌های نمایندگی هر استان از طریق بوروکراسی و تصویب مجلس شورای اسلامی خارج می‌شود و این مهم با به کارگیری نمودارهای گردشی پیشنهادی، توسط تیم کارشناسی انتخابات در قبل از زمان انتخابات تعیین می‌شود که به اجرای عدالت در تعیین حق برخورداری از کرسی‌های نمایندگی در استان‌ها منجر می‌شود. از طرفی رشد کیفی و مناسب احزاب در سراسر کشور و ایجاد زمینه‌ای مناسب برای احیا و ایجاد انگیزه فعالیت سیاسی و آگاهی‌بخشی به افراد جامعه، مشارکت در انتخاب افزایش می‌یابد. در نهایت شمارش آرا

به صورت مدرن و به دور از دخیل کردن انسان در اجرای این امر، فرایند انتخابات مجلس شورای اسلامی مورد بازنگری قرار گرفته است. این امر در راستای ارتقای سطح سرمایه اجتماعی، گامی مؤثر محسوب می‌شود.

۵. نوسازی و احیا: در این مرحله باید فرایند جدید در روال قبلی جایگزین شود و هماهنگی‌های لازم برای اجرای مهندسی مجدد فرایند انتخابات مجلس شورای اسلامی انجام شود. در این مرحله براساس الگوی ارائه شده برای شناورسازی مرز حوزه‌های انتخابیه و در نهایت تعداد نمایندگان هر قومیت با جمعیت به حدنصاب رسیده برای آن حوزه، مراحل کار و هر آنچه لازم است بیان شده که در این راستا توابع مورد نیاز برای اجرایی کردن بازنگری انتخابات با عناوین، نحوه محاسبه تراز ملی و توابع برای تعیین ضرایب استانی به شیوه پیشنهاد شده (شامل تابع وضعیت، تابع تشخیص احتساب، تابع باقیمانده جمعیت، تابع تعیین تعداد کاندیداها و تابع محاسبه ضرایب جمعیت قومیت موردنظر در شهرستان همجوار فاقد نماینده برای هر استان) به صورت دقیق و در قالب الگوریتم‌های مناسب بیان شده است.

۶. ارزیابی: در این مرحله فرایند مهندسی شده به طور مستمر بازنگری و بازخوردهای آن بررسی می‌شوند تا موانع احتمالی ناشی از تغییرات اعمال شده برطرف و شرایط روز جامعه و نیازهای شهروندان برای تغییرات و بازنگری‌های آینده در نظر گرفته شوند و به سوی هدف غایی خود سوق داده شود. بازنگری فرایند انتخابات مجلس شورای اسلامی امری ضروری است و باید توسط متخصصان انجام شود.

در تبیین شاخص تأثیرگذار بازنگری فرایند انتخابات مجلس بر اعتماد سیاسی می‌توان چنین گفت: بازنگری فرایند انتخابات مجلس شورای اسلامی با ارائه الگویی برای شناورسازی مرز حوزه‌های انتخابیه کنونی، نوعی عدالت را برای تعیین کرسی‌های نمایندگی و تعیین مرز حوزه‌های انتخابیه جدید فراهم می‌آورد. این عدالت در واقع تعیین و افزایش تعداد نمایندگان مجلس براساس مقتضیات مناطق کشور، میزان جمعیت فعلی و

نرخ رشد جمعیت و نیز جمعیت قومیت‌ها (اعم از فارس و غیرفارس) در یک منطقه و حوزه‌های انتخابیه را شامل می‌شود. هنگامی که افراد جامعه نیازهای خود را از سوی حکومت به نحو شایسته‌ای دریافت کنند (انتقال و پاسخ‌گویی این نیازها توسط نمایندگان که پل ارتباطی ملت و دولت محسوب می‌شوند، پیگیری خواهند شد)، سبب می‌شود افراد جامعه نسبت به نظام حکومتی حسن نیت داشته باشند و بتوانند به راحتی به آن اعتماد کنند (احمدی، ۱۳۷۸: ۱۶-۱۵). از سوی دیگر انگیزه و انتخاب عقلانی افراد شایسته به عنوان نماینده نیز افزایش می‌یابد و نوعی احساس مسئولیت در تعیین نحوه اداره امورات سیاسی را در افراد ایجاد می‌کند. همچنین دخیل کردن قومیت‌های دیگر در کنار فارس‌ها برای مشارکت در اداره حکومت، به افزایش احساس همبستگی و تعهد به پیشرفت جامعه منجر می‌شود و اعتماد سیاسی آنان را به نظام سیاسی کشور افزایش می‌دهد.

۵ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

انتخابات فرایندی سنتی است که در شرایط امروز جامعه ایران به خوبی نتوانسته اعتماد مردم را کسب کند، این اعتماد به خصوص در بین اقوام غیرفارس کمتر مشاهده شده است. رشد نیازها و خواسته‌های امروز جامعه ایران نتوانسته با فرایندهای سنتی به خوبی کنار آید. بازنگری این فرایندها با اجرای طرح شناورسازی مرز حوزه‌های انتخابیه استان‌ها و نحوه تعیین تعداد کرسی‌های نمایندگی مربوطه، مرز حوزه‌های انتخابیه فعلی را درهم می‌شکند و مرزهای جدید را برحسب افزایش جمعیت در شهرستان‌های مجاور و تغییر آن نسبت به مبنای تعیین شده - در این مقاله آن را تراز ملی نامیده‌ایم - مرزبندی جدید حوزه‌ها را تعیین می‌کند. براساس این تعداد نمایندگان، متناسب با میزان رشد جمعیت افزایش می‌یابد و ضمن ایجاد حس اطمینان برای افراد جامعه، خواسته‌های آنان بهتر برآورده می‌شود. این مسئله سبب افزایش سطح اعتماد سیاسی و در نهایت سرمایه اجتماعی می‌شود. شناورسازی مرز حوزه‌های انتخابیه و در نظر گرفتن جمعیت همه اقوام ساکن در این

حوزه‌ها و تعیین مرزهای جدید، نمایندگان آن منطقه را از دل همان اقوام انتخاب می‌کند که این امر به بازتاب بهتر مسائل و خواسته‌های خاص آن اقوام منجر می‌شود و اعتماد سیاسی آنان را نسبت به دستگاه سیاسی کشور افزایش می‌دهد. همچنین با افزایش مؤلفه‌هایی مانند ملی‌گرایی و هویت ملی، مسئولیت‌پذیری، آرامش جامعه و دوری از تنش، مشارکت بالا در انتخابات مجلس، اعتماد به نظام و روحیه فعالیت سیاسی مثبت افراد جامعه؛ سرمایه اجتماعی را افزایش می‌دهد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

۱. آیین‌نامه اجرایی انتخابات مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۸).
۲. ابلنسکی، نیک (۱۳۷۶). مهندسی مجدد و مدیریت دگرگون‌سازی سازمان، ترجمه جواد شریفی، چاپ دوم، تهران، آروین.
۳. اجاقلو، سجاد و محمدجواد زاهدی (۱۳۸۴). «بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین ساکنان شهر زنجان»، *جامعه‌شناسی ایران*، سال ششم، ش ۴.
۴. احمدی، حمید (۱۳۷۸). *قومیت و قوم‌گرایی در ایران از افسانه تا واقعیت*، تهران، نی.
۵. الوانی، سیدمهدی و علیرضا شیروانی (۱۳۸۳). «سرمایه اجتماعی اصل محوری»، *ماهنامه تدبیر*، سال پانزدهم، ش ۱۴۷.
۶. اسماعیلیان، مجید (۱۳۸۴). «کاربرد شبیه‌سازی در مهندسی مجدد فرایند»، *ماهنامه تدبیر*، ش ۱۵۵.
۷. ایوبی، حجت‌اله (۱۳۷۷). «شکاف‌های قومی و خشونت در پیکارهای سیاسی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، پیش شماره اول.
۸. بوردیو، پیر (۱۳۸۱). *نظریه کنش*، ترجمه مرتضی مردیها، چاپ دوم، تهران، نقش‌ونگار.
۹. پورمیرو، عباس (۱۳۸۷). «مهندسی مجدد از دیدگاه استراتژیک»، به نقل از: www.amdt.blogfa.com/post-105.aspx.
۱۰. تاجبخش، کیان (۱۳۸۲). *سرمایه اجتماعی (اعتماد، دمکراسی و توسعه)*، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، چاپ سوم، تهران، شیرازه.
۱۱. حیدری، فاطمه (۱۳۸۴). «سرمایه اجتماعی، زیربنای توسعه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی»، *فصلنامه حدیث زندگی*، ش ۲۷.
۱۲. رئیسی، عبدالرضا (۱۳۸۹). «بررسی جایگاه مجلس در نظام سیاسی ایران»، *نشریه خیزش نو*، ش ۶۹.
۱۳. زتومکا، پیوتر (۱۳۸۶). *اعتماد: نظریه جامعه‌شناختی*، ترجمه غلامرضا غفاری، چاپ سوم، تهران، شیرازه.
۱۴. ساروخانی، باقر و امراله امانی (۱۳۸۷). «سرمایه اجتماعی: ابعاد، دیدگاه‌ها و شاخص‌ها»، به نقل از: <http://searches.blogfa.com/post-77.aspx>.
۱۵. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۲). *سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴* و سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ابلاغیه مقام معظم رهبری.

۱۶. سپهری، مهرا (۱۳۸۵). «بهینه‌کاوی در مهندسی مجدد کسب‌وکار»، فصلنامه علمی و پژوهشی شریف، ش ۳۴.
۱۷. شارع‌پور، محمود (۱۳۸۶). «فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن»، ماهنامه انجمن جامعه‌شناسی، تهران، کلمه.
۱۸. غفاری، غلامرضا و مصطفی ازکیا (۱۳۸۰). «بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت»، علوم اجتماعی، ش ۸۹.
۱۹. فتحیان، محمد (۱۳۸۷). «انتخابات الکترونیکی (بایسته‌ها و شیوه‌ها)»، چاپ اول، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۲۰. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹). «پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن»، ترجمه غلامعباس توسلی، چاپ اول، تهران، جامعه ایرانیان.
۲۱. — (۱۳۸۴). «سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی»، سرمایه اجتماعی، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، چاپ سوم، تهران، شیرازه.
۲۲. کاواناک، دنیس (۱۳۷۹). «مبارزه انتخاباتی، ترجمه علی‌اکبر عسگری تلاوت، چاپ اول، تهران، سروش.
۲۳. کلمن، جیمز (۱۳۷۷). «بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ دوم، تهران، نی.
۲۴. لفت ویچ، آدریان (۱۳۸۲). «دمکراسی و توسعه، ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز، چاپ دوم، تهران، وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی.
۲۵. منظور، داوود و مهدی یادی‌پور (۱۳۸۷). «سرمایه اجتماعی عامل توسعه اجتماعی و اقتصادی»، راهبرد یاس، ش ۱۵.
۲۶. میدری، احمد (۱۳۸۳). «حکمرانی خوب، بنیان توسعه، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۲۷. یوسفی، علی (۱۳۸۳). «عدالت قومی و هویت ملی»، مجموعه مقالات در حوزه اقوام ایران، چاپ دوم، تهران، دفتر اجتماعی وزارت کشور.